**انترناسیونال ۷۸۰**

**علی جوادی**

**سقوط آزاد بهای ریال**

**دلایل اقتصادی، دلایل سیاسی**

دلار از مرز ١٥٠٠٠ تومان نیز گذشت. در روزهای اخیر بهای دلار بطور شگفت انگیزی روزانه افزایش یافته است. بطوریکه قیمت دلار در سال گذشته نزدیک به ٥ برابر شده است. معنای این تغییر قیمت دلار در بازار، با توجه به اقتصاد سرمایه داری ورشکسته و اینکه بیش از ٨٠ درصد کالاهای مورد نیاز مردم بر مبنای واردات صورت میگیرد، برای توده های مردم زحمتکش کاملا روشن است. افزایش روزمره و سرسام آور قیمت کالاهای مورد نیاز مردم. فقر و فلاکت بیشتر بر متن فلاکت گسترده و سازمان یافته ای که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرده است. به چند سئوال پایه ای در این باره باید پاسخ داد. دلایل این وضعیت اقتصادی چیست؟ در بررسی دلایل این وضعیت باید به فاکتورهای اقتصادی و سیاسی عمده و اساسی بطور فشرده اشاره کرد.

**دلایل مایکرو و ماکرو اقتصادی کدامند؟**

در بررسی دلایل تغییر و افزایش بی سابقه دلار معمولا مفسرین رژیم اسلامی و سرمایه به معادله عرضه و تقاضا در این چهارچوب اشاره میکنند. و از افزایش میزان نقدینگی در دست بخش خصوصی در جامعه شروع میکنند. میگویند افزایش حجم نقدینگی این بخش و تلاش برای تبدیل این نقدینگی از ریال به دلار به افزایش تقاضا برای دلار و لاجرم به افزایش قیمت دلار منجر شده است. در همین چهارچوب به فاکتور تحریم های اقتصادی و کاهش قدرت حکومت اسلامی برای فروش نفت و کالاهای تولیدی در سطح بین المللی و درآمد ارزی رژیم نیز اشاره دارند. تخمین ها ناشی از آن است که میزان فروش نفت روزانه نزدیک به یک میلیون بشکه کم شده است. و این میزان به ازاء هر بشکه ٧٠ تا ٨٠ دلار به مبلغی حدود بیست و پنج میلیارد دلار در سال تبدیل میشود. این فاکتورها با توجه به تحریمهای بانکی و تجاری موجود امکان خرید و وارد کردن و عرضه دلار در بازار داخلی را به میزان زیادی از رژیم اسلامی سلب کرده است.

دلایل فوق بخشهایی از زمینه های اقتصادی سقوط آزاد بهای ریال را توضیح میدهند. اما به دلایل اصلی و تعیین کننده اقتصادی و سیاسی اشاره ای نمیکنند.

واقعیت این است که نه رژیم اسلامی یک رژیم متعارف سرمایه داری است و نه مکانیسم حرکت اقتصادی در جامعه با فاکتورها و معادلات کلاسیک قابل بررسی و ارزیابی است. بعلاوه این مجموعه از تحلیل ها بنا به ماهیت تحلیل گر جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران را از زیر ضرب خارج میکنند. در حالیکه فاکتور اصلی تعیین کننده عمومی در افزایش قیمت دلار موقعیت و سرنوشت اقتصادی خود جمهوری اسلامی است، بن بست و لاعلاجی موقعیت اقتصادی سرمایه در حکومت اسلامی است. چرا؟ چگونه؟

مساله اساسی این است که رژیم اسلامی در یک بن بست همه جانبه، عمیق و ریشه ای گرفتار است. این بن بست اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. و رژیم اسلامی راه حلی برای این بحرانهای مزمن و پایه ای ندارد. کلا کارنامه اقتصادی حکومت اسلامی برای مردم چیزی جز فقر و فلاکت همه جانبه نبوده است. رژیم اسلامی در کلیت اقتصادی خود یک پروژه شکست خورده است. تمام راه حل هایی که هر میشود تصور کرد را نیز تجربه کرده اند. اقتصاد دولتی و دستوری، تلاش برای کنترل بازار و قیمتها به ضرب شلاق و زندان توسط اوباش اسلامی. سیاست درهای باز، واردات گسترده، شناور کردن قیمت ریال و خصوصی سازی ها و غیره و غیره، همه راهها را تجربه کرده اند. ماحصل تمام این سیاستها آن چیزی است که اکنون مشاهده میکنیم. فقر و فلاکت گسترده توده عظیم مردم و انباشت عظیم ثروت و سرمایه در دست حکومتیان و اعوان و انصارشان.

از این رو هر راه حل اقتصادی برای تغییر و بهبود اوضاع در درجه اول در گرو سرنگونی رژیم اسلامی و تعیین تکلیف با حکومت اسلامی وسرمایه در ایران است. سرنوشت اقتصادی چنین رژیمی روشن است. واقعیت این است رژیمی که به لحاظ اقتصادی در عصر جهانی بودن سرمایه در موقعیت انزوا قرار دارد، رژیمی که یک طرف تخاصمات جهانی در منطقه است، قادر نخواهد بود رونقی به اقتصاد بحران زده خود دهد. نه گفتگوی تمدنها و نه برجام درمانی برای این معضل اقتصاد حکومت اسلامی نبوده و نیستند. غول اقتصاد سرنوشت رژیم اسلامی را رقم زده است.

آیا در تحلیل روندهای اقتصادی ای که منجر به سقوط بهای ریال شده است، مساله تحریم ها را دست کم نگرفته ایم؟ اینکه تحریمهای اقتصادی و بانکی تاثیرات مهمی در گسترش ابعاد این موقعیت داشته اند، قابل انکار نیست. اما همین تحریم ها هم در دورانهای متفاوت و به درجات متفاوتی اعمال شده اند، پیش و پس از برجام. در این دوران ها هم قیمت دلار افزایش پیدا کرد اما آنچه که اکنون شاهد آن هستیم، ناشی از مولفه های دیگری هم هست. و این سئوال ما را به مساله سیاست و سرنوشت سیاسی حکومت اسلامی میرساند.

**دلایل سیاسی سقوط ریال**

اگر غول اقتصاد سرنوشت اقتصادی رژیم اسلامی را رقم زده است، سیاست زمان و دقایق آن را روشن و روشن تر کرده است. در همین راستا اعتراضات گسترده توده ای در شهرهای مختلف ایران تصویر سقوط و سرنگونی رژیم اسلامی را در چشم انداز قرار داده است. واقعیت مهم این است که مردم به این باور رسیده اند که میتوانند رژیم اسلامی را سرنگون کنند و پایانی بر این کابوس چهل ساله بگذارند. و نه تنها این باور عمومیت یافته و جامع است بلکه پروسه عملی آن آغاز شده است. اعتراضات گسترده توده ای سوت آغاز این جدال سرنوشت ساز بود. به این اعتبار آنچه که تغییر کرده است، این است که روشن شده است، جمهوری اسلامی رفتنی است. راه حلی ندارد، هر روز ادامه بقایش چیزی جز نابودی بیشتر جامعه نیست، پس باید سرنگونش کرد. به این اعتبار است که حتی بخشهایی از سرمایه در ایران با توجه به ریسک سیاسی و اقتصادی موجود، هر چه بیشتر مصمم اند که ثروتهای نجومی خود را به دلار تبدیل کنند. به همین دلیل است که حتی گله ای از اوباش حکومتی در صدد خارج کردن دلارهای خود هستند و بخش وسیع تری در حال تبدیل سرمایه های خود به دلار و طلا. این واقعیات و مشاهدات زمینه سیاسی چنین تغییر وتحولی در بهای دلار و سقوط ریال هستند.

امروز برای هر ناظری روشن است که رژیم اسلامی رفتنی است. مردم نمیخواهندش و پروسه عملی سرنگونی آن آغاز شده است. بعلاوه بخشهایی از خود رژیم نیز به این واقعیت دارند اذعان میکنند و بر طبق آن عمل میکنند. آنچه که در سطح بازار در رابطه نرخ تبدیل ریال و دلار مشاهده میکنیم در واقعیت بر متن چنین بنیانهای اقتصادی و سیاسی استوار است. واکنشی است به چنین واقعیتهایی.

نباید اجازه چنین وضعیتی ادامه پیدا کند. نباید اجازه داد که زندگی و آسایش مردم این چنین قربانی منافع ضد انسانی حکومت اسلامی و سرمایه داری شود. نباید اجازه داد که اسلام و سرمایه چنین زندگی مردم را به ورطه نابودی بکشانند. به این وضعیت باید پایان داد و پایان دادن به این وضعیت کار ماست. کار کمونیسم کارگری است.

آلترناتیو کمونیسم کارگری، جمهوری سوسیالیستی، تنها آلترناتیو متضمن آزادی و برابری و رفاه جامعه است. تنها آلترناتیو انسانی است.